

## سینما و اعتیاد به الکل؛

نقد فیلم «من مادر هستم»

### "I'm a Mother" Film; Critical Appraisal Focusing on Alcoholism



دکتر حامد محمدی کنگرانی

روان‌پزشک، عضو کمیته‌ی روان‌درمانی و رسانه‌ی انجمن روان‌پزشکان ایران

[hamed.mohammadi@gmail.com](mailto:hamed.mohammadi@gmail.com)

و در این راه بسیاری از الگوهای زندگی غربی را به شکلی اغراق شده به کار می‌برند. یکی از این الگوها، مصرف الکل به عنوان راه حلی برای مقابله با هیجان‌نا و مشکلات زندگی است که متأسفانه گاهی به افراط کشیده می‌شود. استفاده از همین الگوها باعث اعتراض‌های بسیاری به فیلم شد، اما از سوی دیگر، نقش مهمی در باورپذیرتر کردن چهره‌ی طبقه‌ی متوسط جامعه در فیلم ایفا کرده است.

**چکیده** فیلم «من مادر هستم» یکی از فیلم‌های پر حاشیه‌ی چند سال اخیر است. این فیلم به نقد روش زندگی طبقه‌ای از جامعه‌ی ایران می‌پردازد که در حال حرکت از زندگی سنتی به سمت زندگی مدرن و غربی هستند

کار را مصرف شراب ذکر می‌کند. (البته ما می‌دانیم که نخورده و این صرفاً یک بهانه است.) از همین ابتدا، مصرف الکل به عنوان راه حلی برای مقابله با هیجان‌ها، بحران‌ها، و راهی برای فرار از مسئولیت در این سبک از زندگی مطرح می‌شود. به همین ترتیب،

بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان، فیلم «من مادر هستم» اکران شد. فیلمی که اوایل سال ۱۳۸۹ کلید خورد، در پاییز سال ۱۳۹۱ روی پرده‌ی سینماها رفت و پس از آن، شکایت‌ها و تجمعات زیادی را در اعتراض به فیلم به همراه داشت. سیاه‌نمایی، تحریف قوانین فضایی اسلام، ترویج خیانت و اشاعه‌ی فساد و فحشا از جمله اتهامات فیلم بود. علی‌رغم تمام هیاهویی که به خاطر این فیلم ایجاد شد، اکران آن ادامه یافت و این اعتراضات در عمل، به تبلیغی برای فروش بیشتر تبدیل شد. به همین دلیل همانند نمونه‌های مشابه، در بررسی و نقد فیلم به علت حواشی آن، بحث منتقدین بیشتر حول همین حاشیه‌ها چرخید و نکات تکنیکی و محتوایی آن فراموش شد.

صرف نظر از نقاط قوت و ضعف فیلم، اگر بر اساس مصاحبه‌های خود فریدون جیرانی، کارگردان فیلم قضاوت کنیم، فیلم «من مادر هستم»، نقد نوعی از زندگی مدرن در کشور ماست که یکی از مظاهر اصلی آن، مصرف مشروبات الکلی است. نادر دلتواز (فرهاد اصلانی) و همسرش ناهید (هنگامه قاضیانی) و دخترشان آوا (باران کوثری)، خانواده‌ای امروزی با تمام ظواهر آن در تهران هستند. سعید (حبیب رضایی)، دوست قدیمی نادر، ارتباط نزدیکی با خانواده‌ی او دارد. بین سعید و همسرش سیمین (پانته‌آ بهرام)، که در خارج از کشور زندگی می‌کند، رابطه‌ای سرد وجود دارد. در ابتدای فیلم، سعید که از بازگشت سیمین به ایران، ناراحت است و در خانه تنهاست، به فرودگاه نمی‌رود و نادر را به دنبال سیمین می‌فرستد و دلیل این





در فیلم «من مادر هستم»، بسیاری از ظواهر زندگی مدرن - که البته مصرف مشروبات الکلی از بارزترین آن‌هاست - نشان داده می‌شود. در این میان، با توجه به دیدگاه به شدت اخلاقی سازندگان و تا حدودی هم برای رهایی از تیغ ممیزی، همه‌ی شخصیت‌ها در پایان به سزای اعمال زشت خود می‌رسند تا درس عبرتی برای دیگران باشند.

متأسفانه در کشور ما در رسانه‌هایی مانند کتاب، فیلم و ... محدودیت‌های بسیاری در مورد مطرح کردن بحث الکل، میزان مصرف، عوارض و عواقب آن وجود دارد. جالب آنکه بنا به دلایل مذهبی و فرهنگی، این محدودیت‌ها در مورد مواد مخدر وجود ندارد. با توجه به همین خطوط قرمز، نحوه‌ی نمایش الکل و مصرف آن در فیلم «من مادر هستم» به شکل نسبتاً موفقی لابه‌لای شخصیت‌ها و حوادث داستان جای گرفته است. البته این مورد از معدود مواردی است که مصرف الکل، استفاده‌ای صرفاً تبلیغاتی برای نقش منفی فیلم نبوده است، هر چند که در مقابل حساسیت‌های فراوانی را نیز برانگیخت. علاوه بر این، تصویر فیلم از روان‌درمانگر، که نمی‌دانم روان‌پزشک است یا روان‌شناس، به شدت اغراق شده است و بازی پانته‌آ بهرام در نقش بیمار نیز به این اغراق دامن زده است، هر چند به نظر می‌رسد که در این زمینه گوش شنوایی وجود ندارد.

بارها در طول فیلم نادر وقتی عصبانی می‌شود و با مشکلات ریز و درشت، به ویژه مشکلی که برای آوا به وجود آمده است روبه‌رو می‌گردد، به الکل پناه می‌برد و گاه زیاده‌روی می‌کند و توانایی کنترل خود را هم ندارد.

توانایی حل مسأله، حول دو محور کلی هیجان و مسأله می‌گردد یعنی هم لازم است تا هیجان و احساسات فرد کنترل شود و هم به راهکارهایی برای حل آن مشکل نیاز است. رویکردهای هیجان‌مدار به دو دسته‌ی سازگارانه و ناسازگارانه تقسیم می‌شوند. از نمونه‌های گروه اول می‌توان به دعا، نیایش و ورزش و برای گروه دوم، می‌توان به مصرف الکل و مواد مخدر اشاره کرد. شخص درگیر بحران برای آرامش خود به الکل و مواد مخدر پناه می‌برد، غافل از اینکه با این کار، توانایی برای اجرای رویکردهای مسأله‌مدار را از دست می‌دهد یعنی همان بلایی که سر نادر می‌آید.

متأسفانه در کشور ما، الکل علاوه بر اینکه یک راهکار ناسازگارانه برای کاهش بار هیجانی و عاطفی مشکلات است، به عنوان نمادی از زندگی مدرن غربی، نشانه‌ی سربلندی و افتخار است و کسی که الکل مصرف نکند، به عقب‌ماندگی و تحجر متهم می‌شود. همین موضوع سبب می‌گردد تا بسیاری از افراد، به دور از علاقه و یا اعتقاد خود برای عقب‌نماندن از قافله‌ی تجدد، به مصرف مشروبات الکلی روی بیاورند.